

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۱ می ۲۰۱۴

آداب اذیت نمودن زن در اسلام

۱



زن را بزنید چون الله فرموده است- قرآن



ازین که بعضی از دانشمندان و یا به اصطلاح عوام **عالمان دین مبین اسلام** نوشته های پیرامون انواع آداب اسلامی دارند به فکر این که شاید تشریح بعضی از این آداب و مقررات را فراموش نموده باشند، با فرا رسیدن روز کارگر به بزرگداشت از زن که نخستین کارگری بوده که استثمار شده و به واهی تاریخ تا همان زن از قید بردگی سرمایه و استثمار آن رها نگردد، نظام استثماری از میان نخواهد رفت، به نوشتن این سلسله آغاز نمودم تا باشد در این رابطه کمک کننده شان باشم امید است بر من خرده نگرفته و باب صحبت های همه جانبه را در این زمینه باز نمایند.

ادیان ابراهیمی مخصوصاً دین اسلام از ابتدای موجودیتش زیر رهنمائی ها و ارشادات مدبرانه الله که خیلی ها **هم مردانه** احکام صادر نموده است و به جز همانهایی که از این ادیان بهره مادی و منفی (**چون چیزی مثبت و انسانی در ادیان نیست**) برداشته و بر می دارند بقیه همه را تحقیر و توهین نموده مخصوصاً به جنس زن نظر خصمانه داشته است،

در زمانه های قدیم در جایی خوانده بودم که مارکس گفته است که : (اولین شکل برده داری با برده شدن پنهان زنان و فرزندان در درون خانواده پدیدار گشت) که با در نظر داشت این مقوله بزرگ و پر محتوا به وضاحت می توان دید که جایگاه خانواده به مثابه شکل دهنده مناسبات استثمارگرانه بر مبنای تقسیم کار است که نطفه تکامل طبقات را در جامعه بشری بر پایه همین تسلط مرد بر زن گذاشته است و روی همین ملحوظ نیمی از جمعیت جوامع انسانی که زنهای می باشند تحت ستم مرد ها حتی همان مرد هائی که خود شان هم زیر ستم طبقاتی بوده و هستند !!! قرار گرفته اند، این موضوع در کشور ما در زندگی سنتی مردم با گره خوردن محکم با دین و مذهب نهادینه گردیده است. زن همیشه زیر ستم بوده حتی در دوره (مادر تباری) تاریخی هم نتوانسته به اعماق مناسبات اقتصادی و اجتماعی جوامع نفوذ نمایند تا حاکمیت مطلق بر مرد داشته باشد.

انگلس می گوید: اولین جوانه های شکل گیری طبقات با تقسیم کار بین زن و مرد آغاز شد، تقسیم کار که در ادامه تکامل خویش به مشروعیت مالکیت خصوصی به مثابه رکن اصلی مناسبات ستمگرانه انکشاف یافت، بنا براین سر منشای محترم شمردن و تثبیت مالکیت خصوصی نیز در همین تقسیم کار و بردگی زن نسبت به مرد نهفته است. رول و سهم داشتن ادیان و خرافه پرستی مردم در شکل دادن و تثبیت چنین بردگی را نباید فراموش کرد، ادیان در مجموع و ادیان ابراهیمی به شکل خاص منحنیث روبنای ایدئولوژیک سیاسی طبقه استثمارگر بر چنین پدیده ای لازم

بوده و در طول تاریخ توانسته است نقش خائنانه و منفور خود را به نفع مالکیت خصوصی بیش‌رمانه انجام دهد و نمی توان پیوند تنگاتنگ هر دو را (یعنی مالکیت خصوصی و ادیان) در ارتباط طرح و بر رسی قانونمندی های اجتماعی و سیاسی جوامع نادیده گرفت

نقش ادیان به ارتباط مالکیت، خانواده و موضوع (زن) همه یکسان است.

مالکان سرمایه، بنیان گذاران ادیان و دنباله روان شان وجه مشترکی داشته و در دفاع از همدیگر و تسلط بر افکار، کنترل و مطیع نگهداشتن مردم عادی هم پیمان می باشند.

ادیان همه منحصراً پدیده لازمی روبنائی جامعه طبقاتی، مالکیت شخصی را مقدس و محترم می دانند و به نظر آنها زن به مثابه برده مرد می باشد! و زنها را شی و جنسی که باید در تصرف مرد ها باشند، حساب می دارند، طرح آنها چیست؟ و چگونه استدلال می دارند؟

از دید ادیان ابراهیمی زن در ابتدای خلقت ناقص بوده و از عقل کامل و قدرت تمیز بر خوردار نمی باشد و به همین ملحوظ در کتابهای به اصطلاح مقدس آسمانی او را برده و تابع مرد به شمار آورده اند

از دید این ادیان مخصوصاً اسلام عزیز زن نمی تواند دارای استقلال فکری، اقتصادی و اجتماعی باشد، (مگر این که ضرورت باشد؟؟ احترام و ازدواج محمد با خدیجه سر مایه دار ترین زن عرب؟؟ اما بیوه!! که محمد سومین شوهر او بود) ادیان به زنها و نقش آنها در تکامل اجتماعی به نگاه (شیطان) می بیند و به همین ملحوظ و دلایل زیاد خرافی دیگر است که ادیان همیشه زن را زیر اداره و کنترل مرد هدایت می دهند.

دین اسلام در این مورد خیلی ها هم پیشقدم بوده و چنان خائنانه در لایه لای آیات قرآنی و احادیث نبوی به زن نه تنها توهین و تحقیر بلکه او را فاقد هر نوع احساس انسانی شناخته و حیثیت برده و کنیز را برایش قایل است.

در اسلام زن موجودی است که زنانه ترین و خصوصی ترین موضوعات زنانه اش توسط الله مردانه در قرآن باز گو و احکامی در آن باره صادر می شود.

زن باید فرمانبردار و مطیع شوهرش بوده و منحصراً ماشین تولید نسل عمل کند، همه چیز او متعلق به مرد است و زن باید از تمام فعالیت های اجتماعی دور نگهداشته شده، در خانه مشغول فرزند داری بوده و آماده هر نوع خدمت به شوهر بوده و جوابگوی تمام خواہشات شهوانی شوهرش در هر شرایطی باشد.

مسلمانان زن را ناقص العقل دانسته و در چوکات بندی باور مندی های نامقدس خود هر نوع فعالیت اجتماعی زنان را نفی می کنند.

در اسلام عزیز فقط مالکان، زمینداران، قدرتمندان و چپاولگران (مرد) (در کشور ما: گلبدین، سیاف، ملا محمد عمر، ملا برهان الدین ربانی، اعضای رهبری شورای نظار، قسیم فهیم، عبدالله، قانونی، صبغت الله مجددی، سید احمد کیلانی، عطا محمد نور، یونس قانونی، رشید دوستم، اکبر بای، انوری، احدی، تورن اسمعیل، محقق، خلیلی، حاجی قدیر، سید علی اکبر، قطب الدین هلال، مولوی جبار ثابت، مولوی کشاف، مولوی بی ریش شده کریم خرم، ارغندیوال، جمعه خان همدرد و...) از همه نوع حقوق و مزایائی بر خوردار اند، مرد مسلمان گردانیده شده در کشور ما هم که مربوط طبقه نادار می شود حقوقی انسانی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی ندارد و اگر نصیب شان می شود این حقوق به ارتباط اطاعت شان از استبداد و زور گویان و مخصوصاً از قشر سفله ای به نام عالمان دین!! مشخص می شود اما!! همین بد بخت ها (مردان مسلمان) که حقوق شان وابسته به باور مندی و اعتقادات دینی و عرض ارادت و پای بوسی نماینده های شیخک های عربی می باشد خود تبدیل به یک قشری از ظالمان و حق تلفان در مقابل زنها و اطفال شان شده و بر تری خود را در حاکمیت بر آنها می جویند.

در کشور عقب نگهداشته شده ما مرد که خود تحت ستم و محرومیت زورمندان بدون درک موقف طبقاتی اش قرار

دارد بی توجه به شناخت موقف اجتماعی خود بر زن فشار می آورد تا بیشتر مطیع او باشد و یک نوع رابطه نا انسانی و ارتجاعی را در مقابل زن در پیش گرفته که همه ناشی از تسلط باور های خرافاتی شان به دین اسلام و سنت های قبیله ای و بدوی محل زندگی شان می باشد.

از موضوع دور نشویم ببینیم این کتابهایی که می گویند آسمانی است و از طرف الله بر پیامبران مثل موسی و محمد و غیره هدایاتی مستقیم داده در باره زن چه گفته و مقام اجتماعی زن را چگونه مشخص می سازد.

اسلام به معنی تسلیم شدن در مقابل الله است ، پس ما هم چون که در خانواده مسلمان متولد و زیر تأثیر فرهنگ انسان ستیز عربی رشد یافته و مغز ما مملو از خرافات و افسانه های دینی می باشد باید بررسی های خود را **(با اجازه نمایندگان الله)** از گفتار و هدایات همان الله و بندگان انتخاب شده و مشخص او به نام ملا، چلی و بهتر بگویم عالم دین شروع نمائیم.

در اسلام دو گروه مسلمان وجود دارند که یکی از آنها همانهایی هستند که تنها به هدایات قرآن به اصطلاح باور داشته و احادیث را باور ندارند.

گروه دوم کسانی اند که قرآن را مرجع اصلی دانسته اما نواقصات و کمبودی مندرج آن را به ارتباط تمام موضوعات با پیروی از احادیث می خواهند تکمیل دارند یعنی با اتکا با احادیث برای اسلام خود **(بینی خمیری)** درست می نمایند. این که اختلافات این دو گروه تا کدام اندازه است و هر کدام برای به حق بودن خود چه دلایلی دارد تشریح و تحلیل آن از حوصله این بحث در همین مقطع خارج می باشد که البته در صحبت های آینده به آن هم خواهیم پرداخت. آنچه را در اینجا می نویسم کاملاً از دیدگاه اسلام است یعنی هم نظریات قرآنیون و هم باورمندان حدیث اعم از عالمان سنی و آیت الله های شعبیه.

اما !! قبل از ادامه این بحث فقط یک موضوع را می خواهم روشن سازم و آن این که : برای شیوخ عرب، نمایندگان و غلامان و رقاصان دینی و سیاسی آنها **اندازه دالر، یورو و پوند هزاران مرتبه با اهمیت تر است تا آنچه قرآن، حدیث و یا هم اساسات دینی که آنها خود را مجبور به اطاعت از آن می دانند !!** باور کنید ، در صورت عدم قبول و باور تان به این موضوع لطفاً بنویسد تا ثابت سازم که دالر ارزشمند تر است یا آیات قرآنی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟

شرحی مختصر به ارتباط پیوند قرآن و احادیث:

قرآن کتابی پر ادعای بسیار پوچ و میان خالی است، در بسیاری از جاها میگوید که این کتاب کامل و مبین است، اما واقعاً اینطور نیست، در قرآن بسیاری از نکته ها که برای یک مسلمان دانستن آنها به طور حیاتی و روزمره لازم است ذکر نشده است.

الله بارها در قرآن به تشریح موضوعات **خیلی مهم و حیاتی** مثل باز گو نمودن افسانه های بابلی ، تاریخچه سر زمین بنی اسرائیل، حاکمیت و مالک بودن مرد بر زن ، بالهای ملایکه، انواع جن، داستانهای پیامبران حتی پیامبرانی که امت نداشته و اصلاً خود شان هم نمی دانستند که روزی در قرآن از آنها به نام پیامبر یاد می شود و همچنان رهنمائی های محمد در مراسم خانه داری و مراعات نوبت هم خوابی او با خانم هایش (یعنی...) و... پر داخته است و گنجایش تشریحات موضوعات خورد و کوچک مثل چند رکعت نماز و چه طوری خوانده شود! از کدام نوع کلوخ و یا سنگ برای رفع نجاست استفاده گردد! آداب اسم گذاری طفل، آداب جماع نمودن ، آداب جنازه، آداب ... نداشته و زکری از آنها نشده است بنابر این مسلمانان نمی توانند تنها از قرآن استفاده کنند و مسلمان بمانند، بلکه نیاز به احادیث ، نظریات علمای فقه و در اخیر هم فتوا های ریش داران عربی را لازم دارند و وقتی ضرورت باورمند شدن به حدیث و غیره پیدا شد دکان ملاگک ها رونق می یابد و شروع می کنند به روایت احادیثی که توسط بعضی ها روایت شده و توسط

کسانی دیگر غلط حساب گردیده است ، به این معنی که هر ملا، هر چلی، هر آخوند و هر دعوakنده رهبری دین !! می تواند به یک حدیثی که منافعش در آن متصور است و مطابق خواست بادرانش باشد استناد و صد ها دلیل و مثال بیاورد که آن حدیث صحیح است ، یعنی آنها به خود صلاحیت می دهند تا موضوعات اجتماعی را در چوکات بندی همین نظریات ، فتوا ها و هدایات مستقیم بادران و استعمار جهانی که برای آنها منبع عایداتی خوبی می باشند قانون مند ساخته و در تطبیق آن منحصراً فرستادگان بدون درجه و رتبه از طرف الله به هر جنابیتی دست بزنند فلذا ما باید این نکات را در تحلیل های خود از نظر دور نداشته باشیم و با ذکر چند مثالی می توان ضرورت استناد به حدیث را از طرف گروهی از مسلمانان که رمز مسلمانی را می دانند و یاهم دنباله روان شیخک های عربی هستند فهمید مثلاً:

در قرآن از عذاب قبر چیزی نیست! از حرام بودن شراب ذکری نشده ! و خیلی موضوعات دیگری است که محمد فراموش نموده آن را در قرآنش درج نماید، اینجاست که ضرورت موجودیت استناد به احادیث منحصراً رکن تکمیل کننده قرآن پیدا میشود و این (عالمان) هم تا خواسته اند در هر موردی چرندیاتی را برگرفته از قرآن و حدیث به جامعه و مردم خوشباور ما منحصراً احکام دین تلقین نموده و برای خود اعتبار کاذب و جعلی اجتماعی کسب نموده اند. این (عالمان) بیشتر موضوعاتی که باعث روشننگری اذهان مردم می شود ، و یا به موجودیت ، ادعا و به حق بودن الله ، قرآن و محمد خدشه وارد می نماید و یا هم از مقام و رول آنها در رهبری جامعه می کاهد پنهان می دارند و یا نمی خواهند صحبتی در مورد کنند و به همین ملحوظ اسلام و احکام آن در عربستان ، پاکستان ، افغانستان ، ترکیه ، مصر ، امریکا و اروپا و تمامی کشورهایی که به نام کشور های اسلامی یاد می شود فرق داشته و هر کدام آنها یا خود و یا توسط نماینده های اوباش و هرزه شان در جوامع مختلف از همان نوع اسلام مشخص و منحصر به خود صحبت می دارند ، و من درین باره در آینده های نزدیک صحبت هایی خواهم داشت، از این که نوشته فعلی روی آداب زجر دادن به زن از نگاه اسلام است می پردازم به دنباله همین موضوع:

سوره نساء آیت ۳۴ به مسلمانان اجازه می دهد که زنانشان را بزنند، اگر حدیث نباشد از کجا معلوم می شود این زدن چگونه باید باشد؟ اگر مسلمانی بر اساس این آیت قرآن زنش را آنقدر بزند که او بمیرد آیا نمی تواند بگوید به دستور قرآن عمل کرده؟ به مفهوم دیگر بدون در نظر داشت حدیث، قرآن اجازه قتل زن را به شوهر می دهد! اکنون همین محدثین عزیز و رقااصان شیوخ عرب این آیت شریفه قرآن را که غیر انسانی و جاهلانه است می خواهند صحیح، خوب و عاقلانه بسازند تا این قرآن را برای آنانی که هر روز بیشتر مغز های شان از کرختی تسمم زهر دین شفاء می یابد به قرآن و آیات آن خوش بین سازند.

در این آیت مبارکه به وضاحت تمام زدن (لت و کوب نمودن) زن توسط شوهر بیان شده و قبلاً من در این رابطه نوشته هایی هم داشته ام و در این جا نمی خواهم تکرار نمایم فقط به گفتار دو نفر که خود را منحصراً عالم دین در همه جا معرفی می دارند به ارتباط از ترجمه و تفسیر همین آیت مبارک اکتفاء می کنم ، اولی آن شخصی است به نام مولوی «ایاز نیازی» که ایشان هم زمانی در مصر بوده و از الازهر فارغ التحصیل شده اند ، جناب شان به علاوه این که نماز دهنده و مفسر هستند بر نامه های تلویزیونی هم دارند او می گوید : **در صورت نافرمانی زن تان را بزنید اما نه به آن حدیکه استخوان هایش بشکند ؟؟؟!!** این هم انسانیت اسلامی !!!! (خودش سه موجودی را به نام زن اسیر خود ساخته و بنا بر قبالة مالکیت عربی ! سر نوشت ساز آنها بوده و تمام گفتار و اعمال این سه موجود زیر اراده و هدایت این کثافت باید باشد ؟؟؟!!) کره خری است در لباس عالم دین !! هر کسی که خلاف این نظر دارد، لطفاً بنویسد.

این آدم نما درباره این که زن تانرا در صورت نافرمانی از خود بزنی با آیت نازل شده اختلاف و اعتراضی ندارد، فقط می خواهد به ما بی خبران و خوشباوران تفهیم نماید که : چون شما مردان مالک و اختیار دار زن تان هستید در صورتی که از شما نافرمانی کند مطابق همین فرموده الله او را بزنی!! اما نه به آن شدت که استخوانهایش را بشکنید !!! این شد یک نظر رو شنفکرانه اسلامی به تابعیت از امر الله !!؟ و خیلی ها هم خوشحال خواهم شد عالمان دین و آیت الله ها ، حجت الاسلام ها ، پروفیسر های اسلامی ، داکتران اسلامی و خلاصه هر... اسلامی که ادعا دارند حقوق مرد و زن در اسلام مساوی است در این باره بنویسند!! نشرمند بهتر است.

جانور دومی یک لچک بازاری بیسواد و بی شعوری به نام «فرید یونس» که می گوید داکتر هم است، می باشد، این آدمک حماقت و گستاخی رابه اندازه ای رسانیده است که به علاوه نفهمیدن زبان عربی ادعا می کند که: کلمه **ضربو** که در قرآن آمده است به لسان عربی مفهوم زدن را دارد اما این کلمه لسان الله است و معنی آن در لسان الله زدن نیست بلکه (**جدا شدن از زن یعنی در بستر جدا خواب شدن می باشد ؟؟؟**) خوانندگان ارجمند !! لطفاً کمکم نمائید اگر کسی **بیشعور تر** از او می شناسد؟ معرفی دارید، ممنون می شوم.

این قسمت از نوشته را با حدیثی ختم می دارم.

عبدالله ابن عباس روایت می کند: مرد کوری **همسر کنیزی** داشت که به پیامبر ناسزا می گفت او را نهی می کرد اما او دست بر نمی داشت، يك شب کنیز شروع به ناسزا گفتن به پیامبر کرد مرد او را برحذر داشت او دست بر نداشت، مرد خنجری بر داشت و درشکم زن فرو برد و شکم او را پاره کرد و بچه ای که در شکم داشت بین پاهایش افتاد و غرق خون شد، فردای آنروز وقتی به پیامبر خبر دادند، او مردم را جمع کرد و فرمود : شما را به خدا سوگند می دهم و به حق خودم سوگند می دهم کسی که این کار را کرده جلو بیاید، مرد درحالی که می لرزید برخاست و جلوی پیامبر ایستاد و گفت: یا رسول الله من **ارباب او هستم** او به شما ناسزا می گفت و شما را انکار می کرد من او را نهی کردم اما فایده ای نداشت، او همسر من است و من از او دو پسر همچون مروارید دارم، دیشب که دوباره شروع کرد خنجری درشکمش فرو کردم و او را کشتیم، پیامبر فرمود **من شهادت می دهم که نباید هیچ خون بهائی برای او پرداخت.**

برگزیده سنن ابوداود کتاب ۳۸ حدیث ۴۳۴۹

ادامه دارد